



محمد رضا مهدیزاده

در حالی که سایه سنگین تنش‌ها بر منطقه سنگینی می‌کرد، یک چرخش دیپلماتیک غیرمنتظره، معادلات را تغییر داد. اعلام بار گشایی تنگه‌هرمز از سوی «عباس عراقچی» وواکنش صریح وتشکر امیر «دونالد ترامپ» نشان داد که بر خلاف دوران پیشین -حداقل دور قبلی مذاکرات در اسلام‌آباد- پالس‌های مستقیم میان دو طرف با سرعتی فراتر از انتظار در حال ردوبدل شدن است.این رویداد، در کنار تحرکات نظامی و دیپلماتیک در اسلام‌آباد، این سوال را به میان آورده که آیا تهران و واشنگتن در حال ترسیم نقشه‌های جدید برای عبور از بن‌بست‌های قدیمی هستند؟ در این لحظه حساس که هر آن امکان شروع دور دوم گفت‌وگوها میان جمهوری اسلامی ایالات متحده وجود دارد، برای واکاوی واقعیت‌های پشت‌پردهورسی اعتبار تضمین‌هایی که کشورهای منطقه روی میز گذاشته‌اند، با «کتر حسن رنجبر»، کارشناس روابط بین‌الملل، به گفت‌وگو نشستیم. رنجبر در این مصاحبه با نگاهی دقیق به رفتارشناسی تیم ترامپ، به بررسی نقش چهره‌هایی چون «جرد کوشنر» و «جی‌دی‌ونس» پرداخت و بر ضرورت عبور از مذاکرات میانجی‌محور به سمت توافق‌های پایدار تأکید کرد. در واقع این گفت‌وگو تحلیلی صریح است پیرامون خط‌قرمزهای هسته‌ای، موازنه قدرت در خلیج فارس و این پرسش که چرا «عدای سازی روابط» همچنان غایب بزرگ بسته‌های پیشنهادی میان باستور و کاخ سفید محسوب می‌شود؟ خانم‌ها و آقایان به میزسیاست خارجی «توسعه ایرانی» خوش آمدید.

■ ■ ■

**حسن رنجبر عزیز، ضمن سپاس از این که بزرگوارانه به جمع کارشناسان «توسعه ایرانی» پیوستید. برای شروع لطفاً بفرمایید که هزم‌مانی اعلام آتش‌بس میان اسرائیل و لبنان توسط ترامپ با سفر ژنرال عاصم منیر به تهران در روز پنجشنبه و اعلام آزادسازی تنگه‌هرمز توسط عراقچی وتشکر ترامپ از ایران، رami توان حرکت به سوی توافق در چندروز آینده قلمداد کرد؟**

بند هم‌ضمن سیاس از شما و همکاران عزیز «توسعه ایرانی»، لازم است تأکید کنم پیش از ورود به پاسخ سؤال، توجه به دو نکته مفقود ضروری است:

نخست؛ سطح تحلیل فراتر از منطقه؛ برای در ک‌دقیق روندهای مرتبط با آنچه طی ۲۰ روز درگیری مستقیم نظامی میان آمریکا و اسرائیل علیه ایران رخ داده، لازم است تحلیل را صرفاً در سطح منطقه‌ای محدود نکنیم، اگر چه میدان‌رسمی‌نمطه‌ای یافته است، اما پیامدها و محرک‌های آن -به‌ویژه به دلیل نقش تعیین‌کننده انرژی در اقتصاد جهانی- پیامد کما لاین‌المللی دارد. بنابراین هر گونه بررسی درباره آتش‌بس، مذاکرات صلح یا پویایی‌های دیپلماتسی میان ایران و آمریکا باید در چارچوبی با سطح تحلیل جهانی انجام شود.

دوم؛ دگرگونی در الگوهای هم‌پیمانی غرب؛ یکی از ویژگی‌های قابل توجه این مرحله از بحران، فروپاشی نسبی انسجام در ائتلاف‌های سیاسی و نظامی غرب است. عدم هم‌راهی برخی دولت‌های اروپایی و حتی متحدان غیراروپایی ایالات متحده با رهبر دشمن واشنگتن نشانه‌ای از شکل‌گیری احتمالی ترتیب جدید امنیتی، اقتصادی و سیاسی در نظم بین‌المللی آینده است. بنابراین بر اساس طرح ۱۱ ماده‌ای ایران، آتش‌بس به صورت فراگیر و در تمام رده‌های درگیر اجرامی‌شدن موضوع به دلیل عدم پایبندی آمریکا عملی‌شدن همین امر باعث استمرار تنش و تشدید درگیری‌ها شد، تا اینکه پس از یک هفته درگیری شدید در جبهه لبنان، مذاکرات سه‌جانبه میان لبنان، آمریکا و اسرائیل شکل گرفت.

**روندهای صلح و مذاکرات پیش‌رو رami توان مقطعی سرنوشت‌ساز در دنیامیک آینده روابط دو کشور دانست. موفقیت این روندها می‌تواند صلح، امنیت و توسعه را تقویت کند و ناگامی آن تبعات پر هزینه و گسترده‌ای در سطح منطقه و حتی فراتر از آن خواهد داشت**

در خصوص این مذاکرات نیز، چند نکته قابل توجه است:

- ترکیب طرف لبنانی در مذاکرات؛ محور مذاکرات از سوی لبنان عمدتاً توسط دولت تحت نفوذ جوزف عون هدایت می‌شود. این دولت به‌طور سنتی رویکردی معطوف به مهار و محدودسازی قدرت حزب‌الله در دوره همین دلیل نمی‌تواند یانمی‌خواهد نماینده صدای جبهه مقاومت در میز مذاکره باشد. این امر ماهیت مذاکرات را به گونه‌ای شکل می‌دهد که هدف اصلی آن رفع نگرانی‌های امنیتی اسرائیل باشد.

- دلایل امنیتی و نظامی پذیرش آتش‌بس؛ از منظر اسرائیل، پذیرش آتش‌بس صرفاً یک انتخاب سیاسی نبود؛ بلکه حاصل محاسبات نظامی بود. اسرائیل در کوتاه‌مدت چشم‌انداز روشنی از دستیابی به یک پیروزی نظامی قابل اتکادر برابر جبهه لبنان نمی‌دید. شدید خضوت‌ها و تلفات گسترده غیرنظامیان در لبنان طی یک هفته گذشته نیز

## آگهی مفقودی

سند مالکیت خودرو سواری پژو پارس به رنگ سفید به شماره موتور: ۱۲۵K۰۰۲۴۴۲ به شماره شناسی: NAANA۱۵EANK۴۶۸۷۴۰ به پلاک ۹۸ – ۶۴۸ ۵۹ بنام خیزران عبیدی کدملی: ۵۸۱۹۷۰۸۳۹۳ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

ایلام

ارزیابی «حسن رنجبر» از بازشدن تنگه هرمز و تشکر ترامپ از ایران در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

# «فرصتی جدید» برای «گفت‌وگوهای سازنده» دو کشور



**نشد، دور دوم مذاکرات احتمالی را با چه ترکیبی پیش‌بینی می‌کنید؟ آیا ورود چهره‌هایی نظیر جرد کوشنر به میز مذاکرات، نشان‌دهنده تمایل ترامپ به یک «معامله بزرگ و سریع» فراتر از پرونده هسته‌ای است؟**

امضای یک توافق صلح احتمالی میان ایران و ایالات متحده، به‌ویژه با راولتی که دولت آمریکا می‌تواند از آن در سطح‌فکر عمومی و نهادهای سیاست‌گذاری ارانه کند، برای دولت کنونی واشنگتن – و به‌طور خاص برای رئیس‌جمهور ترامپ – یک «دستاورد راهبردی» محسوب می‌شود؛ دستاوردی که هیچ‌یک از دولت‌های پیشین ایالات متحده طی چهار دهه گذشته به آن دست نیافته‌اند.
باین حال، از منظر حقوق بین‌الملل و نیز تجربه روابط متشنج میان دو دولت، نمی‌توان انتظار داشت که پیچیدگی‌های انباشته‌شده ناشی از دهه‌ها خصومت، تنش و بحران – به‌ویژه پس از جنگ رمضان و سلسله رویدادهای مؤثر بر روابط دو‌جانبه – صرفاً با چند دور مذاکره موافقی نیازمند یک فرآیند تدریجی اعتمادسازی، ایجاد ترتیبات اجرایی روشن و شکل‌دهی به سازوکارهای نظارتی معتبر است.

در همین چارچوب، حضور چهره‌هایی مانند کوشنر و ویتکاف در نشست‌های اسلام‌آباد، با توجه به تصویر ذهنی منفی و خاطره تاریخی‌ای که از نقش این‌افراد در افکار عمومی ایرانیان وجود دارد، حتی در کنار حضور معاون رئیس‌جمهور (ونس)، می‌تواند این برداشت را تقویت کند که ایالات متحده هنوز به سطح «حدیث لازم برای ورود به مذاکرات معطوف به نتیجه» نرسیده است. ویتکاف در روایت غالب ایرانیان نماد یک «مذاکره‌کننده فاقد حسن‌نیت» تلقی می‌شود. فردی که نقش او بیشتر به «بازر اعمال فشار روانی و تاکتیکی» شباهت دارد تا یک طرف‌متعهد به مذاکرات مبتنی بر اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل. از جمله اصل حسن نیت در مذاکرات (Good Faith Negotiations).

در مقابل، انتظاری که در دور نخست مذاکرات از حضور ونس شکل گرفته بود، با الگوی حکمرانی و تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور ترامپ همخوانی نداشت و نشان داد که وی «اختیار عملیاتی کافی» برای ارائه یا پذیرش اینکرات جدید – که لزامه پیشبرد هر مذاکره جدی و نتیجه‌محور است – بر خود دارد. نیست، این امر می‌تواند نشان‌دهنده

آن باشد که خطوط کلی تصمیم‌گیری در ساختار دولت ترامپ تمرکزگراست و به مذاکره‌کنندگان میانی، دامنه مایوس مستقل اعطای نمی‌شود.

باین حال، بر اساس الگوی

رفتاری ترامپ و نحوه توزیع واقعی اختیارات در حلقه تصمیم‌گیری او، می‌توان چنین استنباط کرد که تیم مذاکره‌کننده ایرانی باید از «ظرفیت

و تضمین‌کننده نرسیده است. در جمع‌بندی باید گفت «سطح مناقشه» میان ایران و آمریکا، حتی بر فرض دستیابی به یک توافق اولیه، چنان عمیق و چندبعدی است که «تضمین‌های ارائه‌شده توسط پاکستان»، حتی همراه با مشارکت ترکیه و مصر، به‌تنهایی نمی‌تواند امنیت و پایداری لازم را فراهم کند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که نقش اسرائیل به‌عنوان یکی از بازیگران مؤثر در معادلات ایران و آمریکا مورد توجه قرار گیرد؛ بازیگری که خود می‌تواند منبع بالقوه بی‌ثباتی برای کشورهای اسلامی از جمله ترکیه، پاکستان و مصر باشد.

بر این اساس، همراهی پاکستان، ترکیه و مصر تنها در صورتی می‌تواند تضمین‌های معتبر و اجرایی ایجاد کند که «بامشارکت فعال چین و روسیه» تکمیل شود. چنین ترکیبی می‌تواند یک «سازوکار چندلایه تضمینی» شکل دهد که هم ظرفیت نظارتی داشته باشد و هم بتواند در صورت بروز نقض احتمالی تعهدات، واکنش مؤثر و معتبر ارائه کند.

**ترامپ و ونس مدعی هستند که «بهترین و آخرین پیشنهاد» را روی میز گذاشته‌اند. از نگاه شما به عنوان یک کارشناس روابط بین‌الملل، خط قرمزهای جمهوری اسلامی در این بسته پیشنهادی (به‌ویژه در حوزه نظارت‌های هسته‌ای و بازگشایی مسیرهای دریایی) کجاست که باعث شده تهران تاکنون از پذیرش فوری آن خودداری کند؟**

مذاکره در معنای حرفه‌ای و تکنیکی آن، ایستادگی

مبتکرانه‌بر خطوط قرمز و تلاش برای دستیابی به ابتکارهای راهگشا باشد. خروج از بحران در قالب یک «بازی برد-برد» است. طرفین مذاکره باید آمادگی لازم برای «ارائه» و نیز «پذیرش» راه‌حل‌های ابتکاری داشته باشند؛ زیرا هر توافق پایدار نیازمند انعطاف‌پذیری، خلاقیت و درک مشترک‌کاز چگونگی مدیریت اختلافات است.

باین حال، باید توجه داشت که ادبیات سیاسی رئیس‌جمهور ترامپ در دوره زمامداری وی با اصول شناخته‌شده «دیپلماتسی مبتنی بر گفت‌وگو» سازگاری چندانی ندارد. منطقر رفتاری او عمدتاً بر «امتیازگیری از طریق نمایش قدرت سخت» استوار است و همین

ویکتر دست‌سب شده بود که بخشی از رفتارهای او در عرصه

عمومی – از جمله توییت‌های بی‌دردی، تهدید آمیز و بعضاً

پریشان‌گونه – از چارچوب معمول زبان مذاکره فاصله

بگیرد.

باین حال، با توجه به مذاکرات اسلام‌آباد و حجم قابل

توجه مکانیاتی که در آن دوره میان دو طرف در دودل شد،

می‌توان گفت اگر در دوره پیش‌رو گفت‌وگویی صورت گیرد، طرفین اکنون شناخت دقیق‌تر و جامع‌تری از یکدیگر و از موضوعات اختلافی دارند. همین «شناخت متقابل از نقاط قوت» یکی از دستاوردهای مهم آن مرحله از تعاملات بوده است.

در خصوص «شکل مذاکره» نیز باید تأکید کرد که آنچه امنیت‌دارد نشست مستقیم هیئت‌های دیپلماتیک در برابر یکدیگر است، مذاکرات غیر مستقیم و مبتنی بر میانجی در اتاق‌های جداگانه، در روابط پیچیده ایران و ایالات متحده کارآمدی نسبت به ویتکاف و حتی ونس در پیشبرد مذاکرات داشته باشد و احتمالاً قادر است کانال مؤثرتری برای انتقال پیشنهادهای، تعدیل مواضع، و شکل‌دهی به ابتکارات دیپلماتیک ایجاد کند.

**سفر فرمانده ارتش پاکستان به تهران و سپس واشنگتن نشان‌دهنده تغییر نقش اسلام‌آباد از «هیزبان» به «تضمین‌گر امنیتی» است. به نظر شما ایران تا چه حد می‌تواند به ضمانت‌های ارتش پاکستان یا حتی ترکیه و مصر که فعلا سه‌گانه میانجی‌گری را شکل داده‌اند، برآورده‌های دولت ترامپ تکیه کند؟**

پاکستان با «حسن‌نیت» وارد روند میانجی‌گری شده و تحقق موفقیت در این مذاکرات می‌تواند جایگاه بین‌المللی

آن کشور را، به‌ویژه در رقابت راهبردی با هند، تقویت کند. اسلام‌آباد در همین راستا مجموعه‌ای از اقدامات میدانی و دیپلماتیک را برای تسهیل پیشبرد گفت‌وگوها آغاز کرده

است. باین حال، عمق بحران در روابط ایران و ایالات متحده و سطح گسترده «بی‌اعتمادی متقابل» میان دو طرف

چنان ریشه‌دار است که هر گونه توافق احتمالی نیازمند «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به

مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتدای جنگ یک نماینده ویژه به منطقه اعزام کرد، اما تاکنون ابتکارهای اجرایی قابل مشاهده‌ای برای خاتمه مخاصمه ارائه نشده است.

ولادیمیر پوتین نیز در مناسبت‌های مختلف پیام‌هایی را منتقل کرده و در تازه‌ترین مورد، در گفت‌وگو با مسعود یوزشکیان آمادگی خود را برای ایفای نقش میانجی اعلام کرده است؛ باین حال هنوز «سطح عملیاتی مشخص» یا «تحرکات میدانی مؤثر» حدست‌کم در سطح عمومی

و رسانه‌ای – از سوی مسکو مشاهده نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد که نقش بالقوه این دو قدرت هنوز به مرحله اقدام مؤثر

رسیده است. «تضمین‌های بین‌المللی» و مشارکت قدرتمند جهانی، خصوصاً اعضای دائم شورای امنیت دارای حق وتو، خواهد بود. حضور این بازیگران می‌تواند برای اعتبار بخشی به مکانیسم‌های تضمینی و ایجاد ساختارهای نظارتی قابل اتکا ضروری باشد.

در این چارچوب، اقدام چین و روسیه در وتوی قطعنامه پیشین‌تر، بحزین در ششورای امنیت، گامی مؤثر در جلوگیری از تشدید مخاصمه بود. با وجود این، به نظر می‌رسد این دو کشور هنوز در جهت «توقف کامل جنگ» اقدام عملیاتی مشخص و مؤثری انجام ندادند. اگر چه در سطح دیپلماتیک موضوع حمایتی مختلفی اعلام شده، چین نیز در ابتد